استشهاد نحات به قرائات شاهدی بر استناد قرائات به ملک وحی

البته قبلاً هم گفته بودند و نکته خیلی خوبی بود. یکی از مطالب بسیار مهم این است که نحوی های قوی و اساطین نحو، به شواهد بعد از اسلام و بعد از نزول قرآن اعتناء ندارند. شواهد بعد از نزول قرآن را شاهد نحوی نمیدانند. آن هایی که نحو میدانند اصلاً اعتناء نمیکنند. شاعری که برای قرن اول است، حرفش فایده ندارد. حتماً باید در زمان نزول قرآن و قبل از آن باشد. برای چه؟ برای استناد به اینکه چیزی بتواند در فضای قواعد نحوی حرف بزند. و حال آنکه نحوی ها اتفاق دارند –همه اساطین از سیبویه و...- که به قرائات استشهاد میکنند. این استشهاد به چه معنا است؟ اگر قرائات برای قرن دوم بود که استشهاد غلط بود. خود سیبویه برای قرن دوم است و سائر نحات. شما نحو را ببینید، پر از استشهاد به قرائات است. پس معلوم میشود که خود نحات این قرائات را نزول قرآن کریم میدانند، نه اجتهاد یک قاری که صد سال و دویست سال بعدش آمده است. اینها نکات مهمی است. لذا صاحب مفتاح الکرامه در مقام سابع این را فرمودند که علماء ما میگویند مطابقت با عربیت نیاز نیست.

شاگرد:...

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 10:22:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 13:45:17 توسط ... .